



معرفی کتاب

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

نام کتاب:

دارالفنون، گاهواره داروسازی

گردآوری و نگارش:

دکتر حسن فرسام

نوبت چاپ:

اول - ۱۳۹۳

شمارگان:

۵۰۰ جلد

قیمت:

۵۵۰۰ تومان

ناشر:

دانشگاه علوم پزشکی تهران

آقای دکتر حسن فرسام از چهره‌های شناخته شده و خدوم دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران و از مفاخر جامعه داروسازی کشور است. کمتر دانشجوی داروسازی در نیم قرن اخیر پیدا می‌شود که، آقای دکتر حسن فرسام را از نزدیک ندیده باشد و با روحیات مردمی ایشان بیگانه باشد. اتاق ایشان به‌عنوان استاد دانشکده داروسازی به روی تمام دانشجویان باز بوده و همیشه با روی گشاده از آن‌ها پذیرایی کرده و سنگ صبور آن‌ها بوده است.

خلاصه بیوگرافی ایشان در پشت جلد کتاب دارالفنون چنین است:

حسن فرسام در سال ۱۳۱۱ در تهران زاده شد. در سال ۱۳۳۶ دکترای داروسازی را از دانشکده داروسازی تهران گرفت. پس از گذراندن چند دوره آزمایشگاهی در ۱۳۳۷ دستیار و در ۱۳۴۰ استادیار شد. در سال ۱۳۳۸ صبح‌ها در آزمایشگاه حمایت مادران (۸ سال ناپیوسته) کار کرد. در ۱۳۴۲ به دانشکده داروسازی پاریس رفت و جدا از پژوهش اصلی (که مقاله آن در ۱۹۶۴ چاپ شد)، در زمینه بیوشیمی بالینی و ایمنونوهماولوژی هم دوره‌هایی گذراند.

در ۱۳۴۶ رئیس آموزش و در ۱۳۴۸ معاون دانشکده شد. در ۱۳۴۶ دانشیار و در ۱۳۵۶ استاد شد. در ۱۳۵۷ سرپرست انتخابی دانشکده گردید که سی ماه به درازا کشید. مهم‌ترین کار او در این دوره گشایش داروخانه شهری دانشکده‌ای بود که از دیرباز در اندیشه آن بود. در دهه هفتاد به‌عنوان مشاوره دوره‌ای WHO انتخاب گردید و در تهیه پنج مجلد کتاب درباره گیاهان دارویی به زبان

انگلیسی همکاری داشت که از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ چاپ شد. در ۱۳۶۷ - ۱۳۶۸ استاد نمونه کشوری شد. عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی است و با فرهنگستان زبان و ادب در گروه واژه‌گزینی پزشکی و علوم دارویی همکاری دارد. در سال ۱۳۸۱ بازنشسته شد ولی ده سال قراردادی کار کرد. در این مدت در گسترش موزه ملی تاریخ علوم پزشکی با مسئولان آن مرکز همکاری داشته است. در دیباچه کتاب دارالفنون به قلم آقای دکتر حسن فرسام چنین آمده است:

نویسنده این دیباچه نه خود را تاریخ‌شناس می‌داند و نه تاریخ‌دان. آن‌چه او را به سوی تاریخ پزشکی و داروسازی کشاند به سال‌های نیمه دوم دهک سی خورشیدی باز می‌گردد و کتابی که به او داده شد او را دوستدار تاریخ کرد. با خواندن شماری از کتاب‌ها درباره تاریخ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران و گاه جهان، رویکردی بیشتر به نوشته‌های تاریخی یافت. از آن‌جا که جزو اعضای علمی در آمده بود، بر آن شد تا به زمینه تاریخ پزشکی و همزاد با آن داروسازی بپردازد.

در این راستا چند پایان‌نامه و چندین کتاب را مطالعه کرد. با داروسازی در ایران باستان هم تا اندازه‌ای آشنا شد. از این کتاب‌ها و مقاله‌ها یادداشت‌هایی هم فراهم آورد. در دهک پنجاه خورشیدی یک دوره درس تاریخ داروسازی برای دانشجویان گفت که بسیار پذیرای دانشجویان گردید. دریغا که درس تاریخ از برنامه آموزشی حذف شد. نگارنده دست‌نوشته‌ها را در اختیار یک دانشجو نهاد تا با بررسی کتاب‌ها و سرچشمه دیگر پایان‌نامه دکترای داروسازی خود را بنویسد.

نبود بهداشت همگانی، فردی و اجتماعی؛ از باورها و شیوه‌های درمانی؛ از بینوایی، تهی‌دستی مردم و دسترسی نداشتن به پزشک و داروساز؛ از خرافه‌پرستی، جهل، جادو به دور از افسانه‌سازی به کوتاهی یاد شود. در این راستا تا اندازه‌ای تجربه و تحلیل و نقد را هم از یاد نبرد.

در این نوشته از همراهی بی‌آلایش عضو محترم گروه طب اسلامی - سنتی فرهنگستان علوم پزشکی، جناب آقای فرید قاسملو برخوردار بوده است و از تلاش او برای به‌دست‌آوردن سندها، کتاب‌ها و هموار ساختن ماشین کردن دست‌نوشته‌ها بسیار بهره گرفته است.

شایسته است از خانم‌ها و آقایان سارا خسروی، مریم خسروی، الهام زهدی، الهه‌سادات اقوامی، سیده راضیه ابراهیم‌آباد، الهام تقی‌نژاد و محمد دیبافرد که در همه فرآیند آماده‌سازی کتاب، از ماشین کردن دست‌نوشته‌ها تا صفحه‌بندی و تصویرآرایی زحمات بی‌شائبه بسیاری کشیده‌اند نهایت قدردانی به‌عمل آید.

تلاش شد تا با بهره‌گیری از سندهایی گوناگون، برگه‌های آزمون دانش‌آموزان و تصویرهای نخستین دواخانه‌ها و داروخانه‌ها به سبک اروپا و جز آن‌ها این نوشته دریافت بهتری داشته باشد.

امید است این نوشته برای خوانندگان و به‌ویژه دانشجویان و استادان که آگاهی کمتری از مدرسه طب و داروسازی و سرنوشت آن تا آمدن به دانشگاه دارند و بیشتر در پرتوهای انفجاری علوم پزشکی و دارویی اندیشه می‌کنند، بهره‌ای داشته باشد که نوشته‌اند «گذشته چراغ راه آینده» است.

کتاب دارالفنون، گاهواره داروسازی نوین در ایران

این پایان‌نامه در سال ۴۵ - ۳۵ با درجه بسیار خوب پذیرفته شد.

نویسنده بر آن شد تا این پیگیری را گسترش دهد. یکی از راه‌های نیکو آن بود که در گردهمایی‌های علوم پزشکی و دارویی با دیگران سخن بگوید و نتایج کوتاه آن را در مجموعه مقاله‌های این گردهمایی انتشار دهد.

در نیمه دوم دهک هفتاد خورشیدی به پیشنهاد فرهنگستان علوم پزشکی در پاسخ به نامه‌ای از یک سازمان علمی و فرهنگی قرار شد نویسنده این دیباچه مقاله‌ای درباره تاریخ داروسازی و گیاهان دارویی از آغاز تا تأسیس دانشگاه فراهم کند. این مقاله در سی و اندی صفحه فراهم شد، دریا که فرصت چاپ شدن نیافت.

نگارنده در این بررسی‌ها به این نتیجه رسید که درباره دواسازی در دارالفنون چیز زیادی نوشته نشده است. از این روی به کاوش درباره آن پرداخت. در این راستا هدف بیشتر آن بود تا سیمای واقعی‌تر دواساز و دواسازی از دارالفنون تا دانشگاه را بر پایه نوشته‌های آموزگاران اروپایی دارالفنون و پژوهشگران ایرانی و نامه‌ها و سندهای آموزشی، گواهی‌نامه‌ها و جز این‌ها تا آن‌جا که در توان داشت، روشن‌تر کند.

از آن‌جا که آموزه‌ها و دستاوردهای مدرسه دارالفنون در ساختار دانشکده داروسازی نقش داشت بر آن شد تا نام این کتاب را «دارالفنون گاهواره داروسازی نوین ایران» بگذارد.

برای به دست دادن آگاهی‌های علمی و فنی نیاز به آن بود تا از چگونگی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، از نبود سامانه سلامت، فراوانی بیماری‌ها،

در ۹ فصل به رشته تحریر در آمده است.

فصل اول کتاب از پزشکی و داروسازی ایران پیش از دارالفنون شروع و به ورود پزشکان خارجی به ایران ختم می‌شود.

فصول دیگر کتاب به مسایلی هم‌چون گرمابه‌ها و بهداشت همگانی، عطاری‌ها و داروفروشی، امیرکبیر و دارالفنون، دوره نخست دانش‌آموختگان دارالفنون، آموزگاران دارالفنون، استقلال شعب طب و دواسازی از دارالفنون، نگاهی کوتاه به پیشینه داروخانه در ایران، آموزش ساخت دارو در دارالفنون، داروسازی و داروخانه اروپایی در ایران، نابسامانی داروخانه‌داری در ایران، بیمارستان شهری و دولتی و ... پرداخته است.

در انتهای کتاب نیز، کتابنامه و فهرست نمایه آمده است.

در این‌جا بخشی از فصل اول کتاب دارالفنون را با هم مرور می‌کنیم:

■ پزشکی و داروسازی ایران پیش از دارالفنون

با آن‌که شماری از دانشجویانی که برای آموزش پزشکی به اروپا فرستاده شده بودند پس از پایان آموزش به ایران بازگشتند، در پیکره پزشکی و آموزش آن تغییر چندانی دیده نمی‌شد.

طب ایران پیش از دارالفنون بر پایه نظریه اخلاطی بود و برای آموزش آن مدرسه ویژه‌ای در کار نبود. به‌طور کلی، تحصیل طب به سه صورت انجام می‌گرفت:

۱ - مطالعه آزاد و خودآموزی از کتاب‌های پزشکان قدیمی مانند قانون ابن‌سینا، شرح اسباب

نفیسی و جز این‌ها.

۲ - پس از گذراندن مقدمات اولیه، خواندن صرف و نحو و حکمت الهی (فلسفه) در مطلب یک پزشک نامدار قدیمی به فراگرفتن حکمت طبیعی (طب، دواسازی، درمان‌شناسی و ...) می‌پرداختند و سپس از یادگیری مختصر از طب، پزشک نامیده می‌شدند و به درمان بیماران می‌پرداختند.

۳ - به‌صورت میراثی و نشستن پسر به جای پدری که طبیب بود. حکیم‌های قدیمی فرزند پسر یا یکی از شاگردان خود را آموزش می‌دادند تا پس از مرگ او جای پدر را بگیرد. گاهی پدر زودتر زندگی را بدرود می‌گفت و پسرش و یا شاگردش با بهره‌گیری از یادداشت‌ها و کتاب‌های طبیب مرده به جایش می‌نشست.

این وضع تا زمان ناصرالدین‌شاه و صدارت امیرکبیر ادامه داشت. در این زمان ناصرالدین شاه به دکتر کلکوه^۱ دستور داد تا شماری از شاگردان را نزد خود بپذیرد و به آن‌ها آموزش پزشکی دهد (راهنمای دانشکده پزشکی، داروسازی و دندانپزشکی، بهمن ۱۳۳۲، ص ۲۵ و ۲۶)؛ این آموزش بیشتر درباره جراحی بود و کلکوه تنی چند از شاگردان را در خانه خود درس جراحی می‌داده است (شهری، جعفر، تهران قدیم، ج دوم، ص ۲۷۴ و ۲۷۵).

شایسته است یادآوری شود که آموزش پزشکی اروپایی، نه در یک مدرسه بلکه در چند کانون کوچک پیشینه‌ای دورتر از آن‌چه گفته شد، دارد. برای نمونه شماری از پزشکان اروپایی پس از آمدن به ایران در فرصت‌هایی که پیش می‌آمد در کانون‌های کوچک به آموزش نظری پزشکی

ایران دربرگیرنده دوازده محیط جغرافیایی گوناگون و پنج آب و هوای اصلی^۲ است. در این تنوع آب و هوایی نزدیک به ۷۵۰۰ گونه گیاهی می‌روید که بخش قابل توجهی از آن دارویی است (Adhami et al, Herbalgram, No, 74: 35, 2007). راه‌های بزرگ بازرگانی با هند، چین، مصر، یونان و جز این‌ها فراوانی داروها را بیشتر می‌کرده است.

در دانشگاه گندی‌شاپور هم پزشکان و داروشناسان کشورها و آیین‌های دیگر با یکدیگر کار می‌کرده‌اند، نخستین مجموعه داروهای ترکیبی در جهان اسلام (قربادین کبیر^۳) را شاپور سهل، داروساز و رئیس بیمارستان گندی‌شاپور نوشت که چندین سده در مراکز پزشکی کاربری داشت. او یک قربادین کوچک هم برای بیمارستان‌های کوچک‌تر و پزشکان خصوصی فراهم آورد (الگود، سیریل، تاریخ پزشکی ایران، ص ۱۱۵).

پزشکان و داروپزشکان بزرگ ایران در کتاب‌های پزشکی خود بخشی را به داروها وانهادند و یا مجموعه دارویی جداگانه‌ای نوشتند. شماری از این بزرگان دو مجموعه دارویی نوشتند یکی بزرگ‌تر و دیگری کوچک‌تر همسان کتاب‌های جیبی. در این کتاب‌ها بیشتر داروهای گیاهی و سپس داروهای کانی و حیوانی گفته شده است.

نکته مهم دیگر آن که از دیرباز گیاه‌شناسان و داروشناسان به ایران آمده‌اند و از گوناگونی گیاهان دارویی در این سرزمین نمونه‌ها برگرفته و کتاب‌ها نوشته‌اند. برای نمونه به دانشمند بسیار برجسته ایرانی «بیرونی» می‌توان اشاره کرد که در نوجوانی دانه‌ها، تخم‌ها، میوه‌ها و گیاهان را در

اروپایی می‌پرداختند و گاه با دوست‌داران این آموزش بحث و گفتگو هم داشتند.

حاجی‌بابا که پزشکی را در اروپا آموخته بود پس از بازگشت به ایران شاگردانی را در کانون آموزشی خود درس می‌داد (محبوبی اردکانی، تاریخ تحول دانشگاه تهران، ص ۲۵۹) داروهایی که پزشکان سنتی ایران می‌نوشتند بیشتر از دو کتاب «تحفه حکیم مؤمن» و «مخزن‌الادویه» بود.

پرداخت دستمزد به پزشک (ویزیت) چندان رسم نبود. چنانچه بیمار درمان می‌یافت هدیه‌ای برای پزشک می‌فرستاد. حکیم‌ها (پزشکان سنتی) دستمزد معین نداشتند، گاه بیماران اندکی پول در لای نسخه پیشین می‌گذاشتند. شماری از طبیب‌های سنتی نه تنها در پی دریافت دستمزد نبودند بلکه از دواخانه خود داروی رایگان به تهی‌دستان می‌دادند (نجمی، ناصر، دارالخلافة تهران، چ، چهارم، ص ۱۹۷ و ۱۹۸).

■ نگاهی کوتاه به پیشینه داروسازی در ایران

نوشتن درباره داروسازی در دوره قاجار نیازمند آن است که به گونه‌ای بس کوتاه اشاره شود که داروسازی ایران چه بوده است و چرا گفته می‌شود که در دوره قاجار داروسازی همانند پزشکی از نظر علمی میراث‌خوار دوره فروافتادن صفویان بوده است که نه تنها توان بازسازی آن را در خور نمی‌دید بلکه آن مرده ریگ را چنان رها کرد که در زمان شالوده‌ریزی دارالفنون سخنی برای گفتن نداشت. این پرسش پیش می‌آید که مگر پیش از آن چنان نبوده است؟ که شایسته است بس کوتاه به آن پرداخت.

خوارزم نزد یک یونانی می‌برده و نام‌های یونانی آن‌ها را یادداشت می‌کرده است. تردید نیست که آن یونانی گیاه‌شناس بوده و برای آشنایی و چه بسا جمع‌آوری گیاهان دارویی به خوارزم آمده است (بیرونی، ابوریحان، داروشناسی در پزشکی، ترجمه، باقر مظفرزاده، ص ۱۷۰).

از آغاز سده هفدهم میلادی تاکنون فراتر از سی نفر گیاه‌شناس، داروپزشک و داروشناس به ایران آمده‌اند و کتاب‌هایی در این باره نوشته‌اند.

برجسته‌ترین مجموعه جمع‌آوری شده از ایران به نام «مجموعه گیاهان ایران»^۴ است که با کوشش آقای دکتر روشینگر و همکاران ایشان پایه‌ریزی شده است. ایشان استاد و رئیس بخش گیاه‌شناسی موزه علوم طبیعی وین هستند که نخستین بار در سال ۱۳۱۵/۱۹۳۷ ش، به ایران آمدند. بار دوم در سال ۱۳۲۷ از ایران دیدار کردند. مجموعه گیاهی ایران فراتر از ۸۰۰۰ نمونه گیاهی را دربر دارد و یکی از ارزشمندترین مجموعه گیاهان ایران است که هنوز ادامه دارد (ماهنامه شهرپور، شماره ۶، سال ۱۳۲۷، ص ۳۲-۳۵؛ مقدم، صادق، کتاب اول جالینوسی، مهر ۱۳۲۵، ص ۲۳ تا ۲۸). نسخه‌ای از این مجموعه در موزه گیاهی دانشکده داروسازی تهران است. در این جا، جا دارد از زنده یاد دکتر احمد قهرمان، استاد برجسته دانشکده علوم تهران، یاد کرد که مجموعه گیاهی ایشان تاکنون بیست و اندی جلد به صورت تصویری رنگی چاپ شده و توسط همکاران و شاگرد ایشان ادامه دارد. در این جا یارای بیشتر نیست تا درباره صدها کتاب پزشکی و دارویی و قراپادین‌ها سخن گفته شود.

از آن جمله کتاب داروشناسی «کتاب‌البنيه عن

حقایق‌الادویه» موفق‌الدین ابومنصور علی هروی است که به زبان فارسی نگاشته شده است. تاریخ زادن او چندان روشن نیست ولی بنا به مقدمه فارسی کتاب ممکن است چهل سال پس از درگذشت رازی نوشته شده باشد (هروی، الابنيه عن حقایق‌الادویه ویرایش احمد بهمنیار، ص ۸). در این کتاب ۶۰۰ گیاه مفرد شرح داده شده است. او از حکیم رازی یاد می‌کند ولی از پورسینا سخنی نیاورده است. آگاهی او از آبشخورهای ایرانی (پارسی)، سریانی هندی و یونانی است که بیشتر از سفرهای داخل ایران و هند به دست آورده است (Levey M. and Nouri K. The Medical Formu-lary of Al-Samarqandi, pp. 25-26) در این نوشته بنابر آن نیست تا تاریخ داروسازی و داروشناسی گفته شود. آن چه فشرده گفته شد نمونه‌هایی بود تا روشن شود داروشناسی جایگاه ویژه‌ای داشته است که می‌توانست دستاوردهایی در خور داشته باشد. دوست‌داران می‌توانند به مرکز پزشکی و دارویی «ربع رشیدی» و نوشته‌های ارزشمند در دوره صفوی بازگردند.

شایسته است این گفتار را با نظر دکتر لوی^۵ پژوهشگر برجسته دانشگاه پنسیلوانیا و دکتر براون^۶ در مورد داروشناسی در ایران پایان داد.

دکتر لوی که بسیاری از کتاب‌ها و رساله‌های پزشکی در دوره خلافت شرقی را با رنج و کوشش بسیار به زبان انگلیسی برگردانده است، در کتاب بالا در صفحه ۴۲ می‌نویسد: بسیاری از مفردات پزشکی مقدماتی یونان از ایران آمده است.

دکتر براون در کتاب «پزشکی به زبان عربی» می‌گوید: گو این که آموزش پزشکی

باعزت برای آقای دکتر حسن فرسام، مطالعه این کتاب را به تمامی همکاران و مخاطبان رازی توصیه می‌کنیم.

زیرنویس

1. Cloquet

۲. مدیترانه‌ای، بیابانی و نیم‌بیابانی، گرم - نمناک، گرم، خشک و کوهستانی
۳. قرابادین از ریشه سریانی است که به مجموعه‌ای از داروهای مرکب و فرمول آن‌ها گفته می‌شود.

4. Flora Iranica

5. Levey, Martin

۶. ادوارد براون Edward Browne: پزشک و شرق‌شناس انگلیسی که دوستدار ایران بود. از جمله نوشته‌های او یکی تاریخ ادبی ایران در چهار جلد و کتاب «پزشکی عربی» که با نام «پزشکی اسلامی» به فارسی ترجمه شده است. پزشکی عربی را در ایران پزشکی کهن (طب قدیم و در هند و پاکستان «طب یونانی» می‌گویند).

در جندی‌شاپور به زبان یونانی بود، در این نکته تردید نیست که عامل فارسی هم به‌گونه‌ای نادیدنی به‌ویژه در رشته داروسازی وجود داشت و این گفته به‌ویژه در نام‌های عربی داروها آشکار می‌گردد که ریشه فارسی دارند. در جای دیگر اشاره می‌کند: مطالب علمی به زبان عربی را بیشتر ایرانیان، سریانیان، یهود و در حد کمتر یونانیان نوشته‌اند (براون، طب اسلامی، ترجمه فارسی، ص ۳۹ و ۵۵).

گفتگوی بیشتر درباره عطاری‌ها در جای دیگر خواهد آمد.

در خاتمه، ضمن آرزوی سلامتی و طول عمر

